

بررسی دو مقاله «اقتصاد» و «علم اقتصاد» در دایرة المعارف قرآن لیدن

نویسنده: عبدالله سعید

بررسی و نقد: دکتر مهدی رسنم نژاد

عضو هیئت علمی جامعة المصطفیٰ ﷺ العالمية

ترجمه: سید محمد موسوی مقدم

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث

چکیده

دو مقاله «اقتصاد» و «علم اقتصاد» (Economics) تألیف «عبدالله سعید» از مقالات دایرة المعارف قرآن لیدن، حاوی مطالب اساسی در موضوع اقتصاد در قرآن است. نویسنده در تبیین بخشی از مطالب اصلی و خطوط اساسی اقتصاد اسلام تا حدودی موفق شده است و مطالبی در مورد عدالت و مسئولیت اجتماعی، تحصیل و توزیع ثروت و تنظیم قراردادها در قرآن و نیز اصول اقتصاد اسلامی از دیدگاه صاحب نظران معاصر اسلامی مثل شهید صدر، طالقانی و ... بیان کرده است. با این حال مقاله وی از جهات دیگر دارای کاستی‌هایی است و در مواردی به تکمیل و توضیح نیاز دارد.

واژه‌های اصلی: علم، اقتصاد، قرآن، اشتراق.

اول: ترجمه مقاله اقتصاد

به دانش مطالعه و بررسی تولید و توزیع منابع مادی یک جامعه «اقتصاد» می‌گویند [۱]. در متن قرآن، اقتصاد نقشی از احکام، قوانین و رهنمودهای شریعت اسلام است (ر.ک: مدخل فقه و قرآن) که بر رفتار فرد و جامعه در تحصیل و اداره منابع مادی و ثروت، نظارت و کنترل می‌کند (ر.ک. به: همین دایرة المعارف). گرچه کتاب‌هایی به بحث مالیات پرداخته‌اند (ر.ک: به همین منبع)، اما نقش اقتصادی دولت، بازارها (ر.ک: به همین منبع)، قیمت‌ها و اداره خانواده به وسیله دانشمندان مسلمان در دوره اول اسلام نوشته شده است [۲] (برای نمونه: ابویوسف [م: ۱۸۲هـ. ق/ ۷۹۸م]، کتاب الخراج؛ ابن تیمیه [م: ۷۲۸هـ. ق/ ۱۳۲۸م]، وظایف عمومی در اسلام؛ ابن خلدون [م: ۸۰۹هـ. ق/ ۱۴۰۶م]، مقدمه).

مسائل اقتصادی در کل، بخشی از فقه اسلام را مورد توجه قرار می‌دهد. از اواخر قرن بیستم میلادی بسیاری از دانشمندان مسلمان بر آن شدند یک نظام اقتصاد اسلامی را - به عنوان شیوه‌ای مبتنی بر رهنمون‌های دریافتی از نصوص شرعی (قرآن و حدیث) و مبتنی بر نتیجه تجربه تاریخی مسلمان - گسترش دهند.

قرآن طرحی کلی برای یک نظام اقتصادی ارائه نمی‌کند [۳]؛ بلکه مجموعه‌ای از ارزش‌ها، رهنمون‌ها و قوانینی را به دست می‌دهد که مبنای توسعه نظام‌ها و نهادهای اقتصادی مناسب برای جوامع اسلامی‌اند (حق، اصول اقتصادی، ص ۸۱ - ۸۹؛ تقوی، اخلاق [و اقتصاد]، ص ۳۷ - ۵۷). بسیاری [از مردم] عدالت (ن. ک: مدخل عدالت و ظلم)، میانه روی (ر.ک: همین دایرة المعارف)، راست‌گویی و محبت به فقرا و محرومان را جزو ارزش‌های مثبت و سازنده به حساب می‌آورند، اما ظلم، حرص، اسراف، تنگ‌نظری و احتکار را ارزش‌های منفی

می‌دانند. به همان ترتیب، قرآن هم فعالیت‌های اقتصادی ممنوع و حرام، مانند ربا (از سوی بسیاری از مسلمانان معادل بهره و نزول می‌باشد)، اختلاس و قمار، و نیز فعالیت‌های اقتصادی مشروع و حلال، مانند تجارت و خرید و فروش را معین و معرفی می‌نماید. پنج حوزه از رفتار اقتصادی به گونه‌ای بارز در قرآن بیان شده است: عدالت و مسئولیت اجتماعی؛ تحصیل ثروت؛ نظارت و کنترل ثروت؛ حمایت از اقشار محروم و آسیب‌پذیر و تنظیم معاملات با قراردادهای [۴] (ر.ک: مدخل قراردادهای و پیمان‌ها).

عدالت و مسئولیت اجتماعی

عدالت (عدل) در تمام ابعاد زندگی تأیید و حمایت می‌شود؛ از جمله: اقتصاد (سوره نساء/ ۵۸؛ انعام/ ۱۵۲؛ هود/ ۸۴ - ۸۷؛ نحل/ ۷۶؛ شوری/ ۱۵)، و کسانی که آن دسته امور اقتصادی را پی می‌گیرند که به عمل منصفانه، صادقانه، شرافتمندانه و همراه با روحیه تعاون تشویق و ترغیب می‌کند، ورود راحت و آزاد و بدون اجبار به معاملات، تهیه توصیفی صحیح و واقع بینانه [معرفی صحیح و واقع بینانه] از اجناس دخیل در معامله و اطمینان دادن [هنگام مبادله اجناس] از به کار بستن معیارها و استانداردهای صحیح (سوره انعام/ ۱۵۲؛ اعراف/ ۸۵؛ هود/ ۸۴ - ۸۵؛ یوسف/ ۵۹، ۸۸؛ ر.ک: مدخل اوزان و مقادیر)، همچنین در قراردادهایی چون فروش، خرید یا اجاره نامه، وقتی مفهوم [قصد] مبادله هست، برای ایجاد مبادله‌ای منصفانه میان آن چه واگذار یا دریافت می‌گردد، باید عدالت رعایت شود.

کارهایی که به کسب درآمد ناخالص و غیر منصفانه می‌انجامد، ممنوع و نکوهیده‌اند (ر.ک: مدخل مشروع و نامشروع، مدخل حرام). ظلم و خودکامگی (بغی، طغیان، عدوان) از موضوعات مهم و برجسته قرآن می‌باشند و با شدیدترین

لحن نهی شده‌اند. آنانی که مرتکب اعمال ظالمانه می‌شوند، باید توبه و استغفار کنند (سوره مائده / ۳۹؛ ر.ک: مدخل توبه و مجازات). آنان دچار انذار می‌شوند و مجازاتشان در جهان آخرت سخت خواهد بود (سوره زمر / ۲۴)، حتی آن‌ها در این دنیا عذاب خواهند شد (سوره عنکبوت / ۳۱؛ ر.ک: مدخل تنبیه و مجازات: مدخل پاداش و کیفر؛ مدخل انذار). آیات قرآن بسیاری از کارهای حرام مانند تقلب و دغل‌بازی، کلاهبرداری (ر.ک:؛ حقه‌بازی، معرفی و عرضه غلط و دزدی (ر.ک همان) در تجارت و امور مالی را نیز ناروا می‌دانند.

از جامعه خواسته می‌شود دفاع از عدالت و دوری از ظلم را تضمین کند. آن جا که خلاف معیارها و دستورات قرآن عمل می‌شود، جامعه - به لحاظ فردی و جمعی - باید بر اجرای دوباره ضوابط و معیارهای پذیرفته شده در هر کاری نظارت نماید. این مسئولیت با برقراری امر به معروف و نهی از منکر انجام می‌گردد و از نظر قرآن برای انسجام و هم‌بستگی اجتماعی ضروری به نظر می‌آید (سوره اعراف / ۱۵۷؛ توبه / ۷۱؛ ابن تیمیه، وظایف عمومی در اسلام، ۷۳ - ۸۲؛ ر.ک: مدخل اجتماع و جامعه در قرآن). از نظر قرآن... برای ضمانت عدالت در حوزه فعالیت‌های اقتصادی، زمانی فراهم می‌آید که دستورات اخلاقی و فقهی قرآن عملی شود (ر.ک: مدخل اخلاق در قرآن؛ مدخل خیر و شر؛ مدخل فقه و قرآن). هم‌چنین آن‌ها از رفتار هنجار بنیاد پیامبر اسلام ﷺ نشأت می‌گیرند (ر.ک: مدخل حدیث و قرآن؛ مدخل سیره و قرآن؛ مدخل سنت).

تحصیل ثروت

انسان - همان‌گونه که در قرآن روشن شده است - به طور فطری خواهان ثروت و سود مادی است. با این حال، تنظیم این میل و کشش در پرتو ارزش‌های معنوی و اخلاقی به تعادل اجتماعی - اقتصادی می‌انجامد. گرایش به آسایش و

آراستگی (سوره کهف/ ۴۶؛ شوری/ ۳۶) یا زندگی راحت یکی از خوشی‌ها و لذت‌های این جهان تاریک، گناه شمرده می‌شود (ر.ک: مدخل فرهنگ مادی و قرآن) و مسلمانان به کاوش و دست‌یابی چنین چیزهایی، حتی در سفر حج، ترغیب و تشویق می‌شوند (سوره بقره/ ۱۹۸؛ قرطبی، جامع، ۲، ۲۷۴).

قرآن حتی به پیامبر اسلام ﷺ اجازه داد نمازها و دعاهايش را کوتاه کند، تا مبدا مانع فعالیت‌های اقتصادی شود (سوره مزمل/ ۲۰؛ ر.ک: مدخل نماز).

قرآن بارها تأکید می‌کند که همه چیز در این دنیا متعلق به خدا - آفریدگار جهان آفرین - است (ر.ک: مدخل آفرینش)، بنابراین حق مالکیت تمام انسان‌ها عاریه‌ای است (سوره بقره/ ۱۵۵، ۲۴۷؛ اسراء/ ۶). مال و ثروتی که به یک شخص عطا می‌شود، نعمت است و از خدا عاریه و امانت گرفته می‌شود (سوره انفال/ ۲۸؛ نور/ ۳۳؛ ر.ک: مدخل پیمان). گرچه همه چیز متعلق به خداست، اما از هر کسی خواسته شده است که بکوشد سهمی از این ثروت داشته باشد؛ این یک فعالیت سودمند و پذیرفته شده شمرده می‌شود؛ مشروط بر این که از دستورات و رهنمودهای قرآن پیروی شود. حق مالکیت شخصی فقط از خدا و حق است که باید نگهداری شود (سوره بقره/ ۱۸۸؛ ر.ک: مدخل دارایی و مال). در جای خود، اختیارات خاصی به جامعه، نسبت به دارایی هر شخصی، داده شده است. اموال شخصی بی‌حد و حصر، الزامات اجتماعی را که تملک ثروت را اجرایی می‌کنند، از بین می‌برد و ایجاد توازن میان علایق، حقوق و الزامات شخص با نیازهای جامعه، از مشخصه‌های اصلی دیدگاه اقتصادی قرآن است.

به فرموده قرآن، روش‌های مختلفی برای به دست آوردن ثروت و دارایی وجود دارد، اما به نظر می‌آید مهم‌ترین آن‌ها عمل به کار و کسب باشد [۵]. این اصطلاحات نشانگر این است که برای موفقیت، تلاش و همکاری معنادار و

هدفمند ضروری است؛ از جمله تجارت (سوره بقره / ۲۷۵)، حتی جهاد (ر.ک: سوره انفال / ۴۱). در این جا غنیمت یک منبع ثروت به حساب می‌آید (قس: مالک، موطأ، ص ۱۷۳ - ۱۷۷؛ ر.ک: مدخل غنیمت).

در مقابل، بی‌کاری و وابستگی به دیگران، بر خلاف اصول اخلاق کاری قرآن است. در یوزگی و گدایی جز در صورت نیاز شدید، منع شده است. برخی صنایع و حرفه‌ها همچون فاحشگی و خودفروشی (سوره نور / ۳۳)، رقص و به طور کلی فنون شهوانی (سوره اسراء / ۳۲)، تولید و خرید و فروش شراب و مست‌کننده‌ها (ر.ک: سوره بقره / ۲۱۹؛ مائده / ۹۰؛ قس: مالک، موطأ، ۳۵۵ - ۳۵۷) و قماربازی (مائده / ۹۰ - ۹۱) منع شده‌اند. هر کار شرعی نه تنها خوب و حلال (ر.ک: مدخل مراحل و درجات حرام)، بلکه یک نوع عبادت (ر.ک: مدخل مناسک و قرآن) شمرده می‌شود.

توزیع و تنظیم ثروت

انباشت ثروت در دست برخی، باعث نابرابری و شکاف اجتماعی خواهد شد که آن هم به فساد (ر.ک: به همین منبع)، سوء استفاده از قدرت اقتصادی و ظلم به افراد ضعیف یا تکروی می‌انجامد.

یکی از مشخصه‌های اصلی دیدگاه قرآن نسبت به توزیع ثروت، اجبار رفاه‌جویان و افراد خوشبخت به دادن منظم بخشی از ثروتشان به طبقات خاصی از مردم - در زمان‌های مشخص و در شرایط ویژه - است. قرآن بارها به مؤمنان دستور می‌دهد به فقرا و تهیدستان (سوره بقره / ۲۷۱؛ توبه / ۶۰؛ حج / ۲۸؛ ر.ک: مدخل فقر و فقرا)، پدر و مادر (ر.ک: همان) و بستگان خویش (سوره بقره / ۸۳، ۱۷۷؛ نساء / ۳۶؛ ن. ک: مدخل خانواده) کمک کنند. در ضمن اعلام می‌کند که پاداش این‌گونه کمک‌ها بیشتر است (سوره لیل / ۵ - ۷). قرآن این کمک‌ها را به

ایمان و عقیده پیوند می‌دهد (ر.ک: مدخل ایمان و بی‌ایمانی) و کسانی را که با بخشندگی و گشاده‌دستی رفتار نمی‌کنند، از کیفر سخت بر حذر می‌دارد (سوره مدثر/ ۴۲ - ۴۴). این‌گونه انصاف و عدالت‌ورزی در توزیع، در قرآن زکات یا صدقه معرفی شده که ابتدا به یک معنا در قرآن به کار رفته‌اند (ر.ک: مدخل هدیه و بخشش). دستور قرآن به کمک و بخشش بیشتر، در کنار دستور به اقامه نماز (صلوة) می‌آید.

مهم در توزیع و تحصیل ثروت، قواعد و ضوابط خاصی است که طبق آن‌ها اموال و دارایی یک نفر پس از مرگش، به ارث گذاشته می‌شود (سوره نساء/ ۱۱ - ۱۲، ۱۷۶؛ ر.ک: مدخل ارث). این توزیع الزامی اموال و دارایی میان اعضای خانواده، توزیع ثروت جامعه را تقویت می‌نماید. افزون بر این با دیدگاه قرآن دربارهٔ - ثروت به عنوان یک امانت و سپرده - هم‌خوانی دارد. به مالک اختیاراتی داده شده است تا یک سوم اموالش را مطابق میل خود [بر حسب اولویت] - همان‌گونه که در سنت بنا نهاده شده - مثلاً برای اهداف خیرخواهانه، به ارث بگذارد. با این وصف مالک نمی‌تواند به توزیع دو سوم باقیمانده، نظارتی داشته باشد و باید بستگان طبق دستورات قرآن در باب تقسیم اموال (ابن رشد، کتاب درسی مقدماتی تا مشهور، ترجمه‌ای از بدایة المجتهد، ۲، ۴۰۷) باقی را ارث ببرند [۶]. این نمونه دیگری از هدف قرآن برای حفظ انسجام و هم‌بستگی اجتماعی با جلوگیری از تمرکز ثروت در دست افرادی خاص است.

تحصیل مال بدین معنا نیست که مالک نسبت به اموال خود و خرج و مصرف دل‌خواه آن‌ها حق انحصاری به دل خواه خود دارد؛ بلکه ثروت همواره باید در گردش باشد و عادلانه توزیع شود (حشر/ ۷) امساک و خسیس بودن نکوهش و سرزنش شده (نجم/ ۳۳ - ۳۴؛ حشر/ ۲) است، اما اعتدال و میانه‌روی

(ر.ک همان) ترغیب و تشویق شده است (سوره اسراء / ۲۹). ثروت‌اندوزی نهی شده است و آنانی که سرباز می‌زنند، از آتش جهنم ترسانده می‌شوند [به آنان وعده آتش جهنم داده می‌شوند] (توبه / ۳۴ - ۳۵؛ ر.ک: مدخل سرکشی و نافرمانی؛ مدخل آتش). ضایع نمودن مال و ثروت نیز نهی شده است. در حقیقت، جامعه باید جلوی افرادی را که با به خطر انداختن خود (سفاهت) باعث تضییع و از بین رفتن ثروت خویش می‌شوند، بگیرد (نساء / ۵؛ رازی، تفسیر روض الجنان، ۷، ۱۰۷). در جای دیگری از قرآن، اسراف با فساد همراه است (بقره / ۶۰؛ اعراف / ۷۴؛ هود / ۸۵) که کيفر سختی دارد (اعراف / ۸۶؛ رعد / ۲۵). به همین صورت افراد نباید عمر خود را برای اجناس یا اعمال حرام نظیر رابطه جنسی نامشروع، مصرف مشروبات الکلی یا هر چیزی که به فساد جامعه یا آسیب به دیگران می‌انجامد، صرف نمایند.

سوء استفاده نکردن از محرومان و آسیب‌پذیر،

از نگاه قرآن ثروت باید با فعالیت‌های اجتماعی سودمند که به نیازهای اقشار ضعیف‌تر جامعه توجه می‌کند، به دست آید. مکه (ر.ک: همان) هنگام نزول وحی، شهری تجاری بود و میزان قابل ملاحظه‌ای از ثروت صرف وام‌های با بهره (معادل «ریا») می‌شد.

تحریف و ممنوعیت آن در چهار جای قرآن بیان شده است (طبری، تفسیر جامع البیان، ۳، ۱۹۰). در اولین جا تأکید می‌نماید که ربا مال و ثروت را از برکت و رحمت الهی تهی می‌کند (سوره روم / ۳۹). در دومین جا آن را محکوم می‌کند و هم‌سنگ تصرف نادرست و غیرمنصفانه ثروت می‌داند (نساء / ۱۶۱). سومین جا از مسلمانان می‌خواهد از ربا دوری کنند (آل عمران / ۱۳۰) و در چهارمین جا تفاوت آشکاری میان ربا و داد و ستد می‌گذارد و با اصرار از مؤمنان می‌خواهد تنها مبلغ

اصلی را بگیرند و اگر بدهکار توان پرداخت آن را ندارد، حتی از آن هم چشم پوشی کند (سوره بقره / ۲۷۵ - ۲۸۰؛ طبری، تفسیر جامع البیان، ۳، ۱۰۸ - ۱۱۴).

افزایش ثروت از راه ربا در جاهایی که ظالمانه و سودجویانه باشد، تحریم شده است (بقره / ۲۷۹). با توجه به ماهیت ریشه‌دار ربا در دوره پیش از اسلام و جامعه نو پای اسلامی، (مدخل عربستان پیش از اسلام و قرآن)، قرآن باید با اصرار اعلام می‌کرد افرادی که تجاوز و تخطی می‌کنند (ر.ک: مدخل دشمنان)، باید برای جنگ (ر.ک: همان) با خدا و رسولش آماده شوند (بقره / ۲۷۹). از نظر قرآن، بزرگ‌ترین ظلم و بی‌عدالتی هنگامی اتفاق می‌افتد که شخص ثروتمندی از مالی که به او واگذار نموده‌اند، بهره برد تا اقسار ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه را استثمار کند. چون ربا بیشتر حاصل بدهی‌ها و وام‌ها (ر.ک ربا) است، سزاوار است طلب‌کار به خاطر مشکلات اقتصادی مهلت بیشتری به بدهکار بدهد؛ بدون این که بهره‌ای بخواهد، و اگر لازم شد، بدهی‌اش را نیز ببخشد.

قرآن همچنین اعلام می‌کند وام بدون ربا - قرض‌الحسنه - عملی خیرخواهانه است (حدید / ۱۸؛ تباين / ۱۷). گرچه قرآن در طرح و بحث موضوع ربا فرقی بین غنی و فقیر نمی‌گذارد، نشانه‌ها و شواهدی هست که سهم عمده آن، تأثیر ربا بر اقسار ضعیف و آسیب‌پذیر می‌باشد [۷] (سعید، بانک‌داری اسلامی، ۲۱ - ۳۹) و (ر.ک: مدخل ایتام؛ مدخل بیوه زنان).

تنظیم معاملات با اجرای انجام قراردادها

قرآن برای سامان بخشی به فعالیت‌های اقتصادی جامعه، تأکید دارد که معاملات با قوانین - بسیاری از آن‌ها را خود قرآن فراهم می‌نماید - نظارت و کنترل شوند. قراردادها برای جلوگیری از سوء تفاهم و بی‌عدالتی، باید مکتوب شوند و آن جا که مقتضی است، شاهد بگیرند (سوره بقره / ۲۸۲؛ رازی، تفسیر

روض الجنان: ۷، ۱۰۷؛ ر.ک: مدخل گواهی و شهادت دادن). قرآن به مؤمنان دستور می‌دهد به قول و قرارها (سوره انعام / ۱۵۲؛ نحل / ۹۱؛ اسراء / ۳۴) و عهد و پیمان‌های خود (سوره مائده / ۱؛ مؤمنون / ۸) متعهد باشند و تأکید می‌کند که این وظیفه‌ای است که روز قیامت باید نسبت به آن پاسخ‌گو باشند (سوره اسراء / ۳۴؛ ر.ک: مدخل آخرین قضاوت و داوری).

ارج نهادن به وظایف و تعهدات نه تنها امری اقتصادی، اخلاقی و رستگاری بخش است، بلکه صفت بارز مؤمن می‌باشد (سوره بقره / ۱۷۷؛ قطب، فی ظلال القرآن، ۱، ۱۶۱). از سوی دیگر مؤمنان از پیمان شکنی یا وفای به عهد نکردن نهی شده‌اند (سوره بقره / ۲۷؛ قرطبی، جامع البیان، ۱، ۱۷۲؛ ر.ک: مدخل سرپیچی از مسئولیت‌ها و نقض قراردادها) و به آنان حکم شده است بدهی ایشان را بپردازند (سوره آل عمران / ۷۵) و به اندازه بدهند (سوره انعام / ۱۵۲؛ اعراف / ۸۵؛ هود / ۸۴ - ۸۵؛ اسراء / ۳۵؛ شعراء / ۱۸۱).

رهنمودها و قوانینی از این دست پایه اصل قرارداد در اسلام را فراهم نموده‌اند. به نظر می‌رسد قرآن با سامان بخشی به رفتار اقتصادی، نقش مهمی به نهادهایی چون بازار می‌دهد و فضای کافی برای مسلمانان، به صورت جمعی و فردی، آماده می‌کند تا نهادها و نظام‌های اقتصادی در چهارچوب نگرش، ارزش‌ها و اصول قرآنی توسعه یابند. هدف فراگیر این است که اطمینان دهیم انصاف و عدالت رعایت می‌شود. این حقوق الزاماتی‌اند که در مقام نظر، آزادی کامل اعضای یک جامعه را که در پی اهداف اقتصادی فردی‌شان هستند، محدود می‌نماید.

اصول اقتصاد اسلامی در دوره جدید

در قرن بیستم، دانشمندان مسلمان سعی کرده‌اند اقتصادی اسلامی مطابق با رهنمون‌های قرآن، سنت و شریعت اسلام، همراه با تجربه تاریخی پدید آورند [۸]. فهرست اصولی که اساس یک نظام اقتصادی اسلامی شمرده می‌شود به ترتیب زیر است (طالقانی، جامعه و اقتصاد در اسلام، ۲۵ - ۲۹؛ نجار، المدخل الى النظرية الاقتصادية في المنهج الاسلامي، ۴۵ - ۸۷؛ صدر، اقتصادنا، ۱، ۵۱ - ۱۴۲):

۱) حق مالکیت همه چیز تنها متعلق به خداست و به عنوان جانشین خدا روی زمین (ر.ک: مدخل خلیفه) به انسان‌ها سپرده شده است (خان، تعالیم اقتصادی، ۷).

۲) آزادی و رفتار اقتصادی با مقولات حلال و حرام و ارزش‌های اخلاقی محدود می‌شود.

۳) حق مالکیت شخصی با کم‌ترین محدودیت‌ها شناخته می‌شود تا مصلحت عمومی را حفظ نماید (خان، تعالیم اقتصادی، ۷ - ۱۴).

۴) نقش بازار مهم دانسته می‌شود، در حالی که دخالت دولت، حفظ مصلحت عمومی و ساماندهی استانداردهای فعالیت اقتصادی را در پی دارد (ابن تیمیه، وظایف عمومی، ۴۷ - ۵۸).

۵) جایی که منافع فرد با جامعه هم‌خوانی ندارد، منافع جامعه اولویت می‌یابد.

۶) کار به صورت منصفانه جبران می‌شود و از بهره‌برداری کارگری جلوگیری می‌گردد (ابن تیمیه، وظایف عمومی، ۴۳ - ۴۵).

۷) هر کس آزاد است مال و دارایی‌اش را در چهارچوب قید و بندهای قرآن و سنت خرج یا تقسیم نماید.

۸) دولت (و جامعه) باید با برنامه‌های بودجه عمومی از اقشار محروم و آسیب‌پذیر حمایت نمایند (صدیقی، نقش دولت در اقتصاد، چشم‌اندازی اسلامی، ۵ - ۳۰).

۹) در داد و ستد و مبادله، باید انجام یک کار اجتماعی سودمند اساس سود باشد.
۱۰) قرض دادن پول با سود و بهره، ربا است. معاملات و فعالیت‌های اقتصادی باید بدون بهره باشد (سعید، بانک‌داری اسلامی، ۴۹ - ۵۰؛ مودودی، ربا، ۱۳۹ - ۱۴۲).

۱۱) باید محدودیت‌های قرآنی درباره تحصیل و خرج ثروت، درآمد، میزان مصرف و مخارج مورد تأکید باشد و رعایت گردد.

برخی نهادهای اقتصاد اسلامی رو به گسترش‌اند تا این اصول و مبانی را عملی کنند. در این میان مهم‌ترین نهادها، آن نهادهای مالی اسلامی‌اند که بر اساس تحریم بهره و نزول بنا نهاده شده‌اند. به نظر می‌رسد از این گونه اسلامی نمودن اقتصاد در جهان اسلام به صورت فزاینده‌ای استقبال شود.

ترجمه مقاله علم اقتصاد

«علم اقتصاد» از تولید و توزیع منابع مادی یک جامعه بحث می‌کند. در سیاق قرآنی، علم فقه در تحصیل و مصرف ثروت و منابع مالی حاکمیت دارد. گرچه آثاری که این مباحث - وضع مالیات، نقش اقتصادی دولت، بازارها، نرخ‌ها و مدیریت خانه‌داری - را بررسی می‌کنند، توسط عالمان مسلمان پیش از دوران معاصر نوشته شده است مانند: ابویوسف [م: ۱۸۲] و ابن تیمیه [م: ۷۲۸]، ولی مسائل اقتصادی بخشی از منبع فقه اسلام دانسته می‌شود.

عدالت و مسئولیت اجتماعی

رعایت عدالت در تمام ابعاد زندگی از جمله اقتصاد، ضروری است و به پیگیران امور اقتصادی توصیه شده است رفتاری منصفانه، صادقانه، عادلانه و همراه با روحیه همکاری داشته باشند تا آزادانه وارد معاملات شوند، از کالای تجاری توصیف خوبی ارائه دهند و هنگام مبادله کالا نسبت به معیارها و مقیاس‌های اعمال شده اطمینان به دست آورند. اقداماتی که به ایجاد بی‌عدالتی می‌انجامد، ممنوع یا سزاوار سرزنش اعلام شده است. «ظلم» و «عدوان» از مهم‌ترین مفاهیمی‌اند که قرآن به شدت از آن‌ها نهی کرده است. امت اسلامی نیز مأمور شده‌اند نسبت به برقراری عدالت و دوری از بی‌عدالتی، اطمینان حاصل نمایند؛ به گونه‌ای که اگر با موارد خلاف برخورد کردند، باید به معروف فرمان دهند و از منکر باز دارند.

کسب ثروت

بشر از نگاه قرآن به ثروت و جمع اموال علاقه دارد و این علاقه در پرتو ارزش‌های معنوی و اخلاقی او را به ایجاد موازنه اجتماعی - اقتصادی راهنمایی می‌کند. قرآن بارها تأکید می‌کند که همه اشیای جهان متعلق به خداوند است، در

نتیجه مالکیت انسان جنبه توقیفی و امانتی دارد، البته انسان به مشارکت در این ثروت فراخوانده شده است؛ مشروط بر این که مقررات و ضوابط دینی را در فعالیت اقتصادی رعایت کند.

توزیع و مصرف ثروت

جمع ثروت در دست افرادی اندک، موجب به هم خوردن تعادل اجتماعی و ایجاد فساد، استفاده نامشروع از قدرت اقتصادی و بی‌عدالتی در حق ضعیفان یا حاشیه‌نشینان [مستمندان] می‌شود. یکی از ویژگی‌های اصلی دیدگاه قرآن راجع به توزیع «وراثت»، تنظیم ثروت برای کسب رفاه و سعادت است؛ به گونه‌ای که منطبق با طبقات مختلف جامعه در همه زمان‌ها و سازگار با شرایط خاص باشد. مهم در توزیع و کسب ثروت، قانون خاصی است که براساس آن اموال شخصی باید پس از فوت فرد به ارث برسد. این توزیع که میان اعضای خانواده، توزیع ثروت در جامعه را تقویت می‌کند، با مفهوم قرآنی «وراثت» به عنوان امانت هماهنگ می‌شود.

بهره بردن از درآمدهای زیان‌آور

براساس قرآن، ثروت باید با فعالیت سودمند اجتماعی که نیاز بخش‌های ضعیف‌تر جامعه را تأمین می‌کند، به دست آید. مکه در عصر نزول قرآن، شهری تجاری بود و میزان بالایی از پول با وام ربوی فراهم می‌آمد. تحریم ربا در چهار آیه اعلام گردید. ۱- ربا باعث از بین رفتن برکت الهی می‌شود (روم/ ۳۹). ۲- ربا با خوردن مال به صورت باطل، یکسان است (نساء/ ۱۶۱). ۳- بین ربا و بیع تمایز بارزی هست و خداوند می‌گوید: ربا را رها سازید وگرنه با خدا اعلام جنگ نمایید (بقره/ ۲۷۵ - ۲۸۰). ۴- بین ربا و داد و ستد تفاوت آشکاری هست و مؤمنان باید مبلغ اصلی را بگیرند و در صورت ناتوانی بدهکار، حتی آن را هم نگیرند (بقره/ ۲۷۵ - ۲۸۰).

تنظیم فعالیت‌ها با اجرای قراردادها

قرآن تأکید می‌ورزد که مبادلات براساس قواعد و قوانینی که بیشتر آن‌ها در قرآن معین شده‌اند، تنظیم گردند. در آیات متعددی سفارش شده است که برای جلوگیری از سوء تفاهم یا بی‌عدالتی باید قراردادها به صورت مکتوب و با گواهی شهود تنظیم شوند.

اصول اقتصادی اسلام در عصر جدید

عالمان مسلمان در قرن بیستم در صدد رشد و توسعه اقتصاد اسلامی بر وفق رهنمودهای قرآنی و سنت و فقه اسلامی و تجربه تاریخی برآمده‌اند. اصول نظام اقتصاد اسلامی شامل ۹ اصل است: مالکیت همه اشیاء متعلق به خداست؛ رفتار و آزادی اقتصادی باید بر اساس حلال و حرام‌ها و ارزش‌های اخلاقی تنظیم گردد و ...

بررسی و نقد دو مقاله:

الف: اشکال‌های کلی و شکلی

اول: تبیین نشدن واژه‌ها

علم اقتصاد، اصطلاحات علمی ویژه‌ای دارد و برای هر یک از آن‌ها گاه ده‌ها نظریه یا تعریف ارائه شده است، اما در این مقاله تعریفی چندان گویا و شفاف از این واژه‌ها ارائه نشده است. به همین جهت مقاله گاه ابهام و پیچیدگی دارد. برخی واژه‌ها، مانند نظام اقتصادی، تولید، توزیع، بازار، مصرف، حقوق مالکیت و... به تبیین نیاز دارند.

دوم: آمیختن مباحث

تبیین نشدن واژه‌ها و نامشخص ماندن گستره هر یک از اصطلاحات، موجب شده است عرصه‌های بحث در هم آمیخته شود و مقاله در مواردی دچار چند پهلوگویی گردد یا موارد لفظی و کاربردی با مطالب محتوایی و مفهومی در هم

آمیزد و شفافیت خویش را از دست بدهد. تبیین نشدن قلمرو مباحث نیز از مشکلات جدی مقاله است و در آمیختگی را در پی دارد.

مباحث اقتصادی اسلام دست کم در پنج محور طرح پذیر است.

۱. فلسفه اقتصادی اسلام: قضایای هستی شناختی که نوع نگرش اسلام به خدا، جهان و انسان، از منظر اقتصاد را دنبال می‌کند.

۲. مکتب اقتصادی اسلام: قضایای بایدی برگرفته از فلسفه اقتصادی اسلام که شامل «مبانی» و «اهداف» اقتصادی است. منظور از مبانی، اصول مسلم اقتصادی مثل مالیت، ارزش، مالکیت و ... است.

۳. نظام اقتصادی اسلام: مجموعه‌ای هماهنگ از نهادهای اقتصادی که بر اساس مبانی برای تحقق اهداف اقتصادی تشکیل شده‌اند.

۴. حقوق اقتصادی اسلام: مجموعه قوانین و احکام فقهی و حقوقی برخاسته از ساز و کارهای اقتصادی اسلام، مثل عقود و ایقاعات.

۵. الگوهای رفتاری در اقتصاد اسلامی: در سه حوزه (تولید، توزیع و مصرف) تبلور یافته و طراحی شده‌اند.

جدا نکردن این حوزه‌ها در مقاله، موجب شده است عناوینی چون «عدالت و مسئولیت اجتماعی» (مربوط به حوزه مکتب اقتصادی)، یا «تنظیم معاملات با قراردادها» (مربوط به حوزه حقوق اقتصادی اسلام) در کنار عنوان «حمایت از اقشار آسیب‌پذیر» (مربوط به اهداف اقتصادی) قرار گیرد و همه «رفتار اقتصادی» شمرده شوند، در حالی که هر یک از این عناوین به قلمرو خاصی از مباحث اقتصادی مربوط می‌باشند و قدر جامعی بین آنها وجود ندارد.

سوم: جست‌وجوی ناقص

از میان حدود سی منبع مقاله، تنها دو منبع شیعی است. از میان اندیشمندان اقتصادی جهان اسلام، به آثار صاحب نظرانی چون دکتر منذر قحف، پروفیسور خورشید احمد، دکتر انس زرقاء و... - از چهره‌های شناخته شده جهانی - مراجعه نشده است. شاید نویسنده به همین جهت نتوانسته است از عهده بیان حق مطلب، در حد انتظار از یک دایرة المعارف، برآید. موضوعاتی چون: ارکان اقتصاد اسلامی، خطوط اصلی اقتصاد اسلامی، مبانی نظری و حقوقی اقتصاد اسلامی، اهمیت اقتصاد از منظر قرآن، الگوی مصرف و... می‌توانست بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

توجه به نقاط اشتراک موضوع اقتصاد با دیگر عناوین دینی از جمله کمبودهای مقاله است. طرح مباحثی چون: ارتباط اقتصاد و سیاست، اقتصاد و دین، اقتصاد و فرهنگ، اقتصاد و اجتماع می‌توانست مقاله را غنی‌تر سازد. در بخش‌هایی از مقاله، انبوهی از مضامین آیات قرآن در مباحث اقتصادی، بدون انسجام کنار هم قرار گرفته است، ولی پشتوانه‌های فکری آن به دقت و روشنی بیان نشده است، لذا سررشته مطالب در هاله‌ای از ابهام فرو رفته است.

چهارم: ادعاهای بی‌دلیل و سند

گاه مطالبی به عنوان برداشت‌هایی از آیات و روایات نقل شده است که از استحکام لازم برخوردار نیست و پذیرفتنی به نظر نمی‌رسد؛ مثلاً ادعا شده است غنیمت جنگی، از منابع ثروت در اسلام به شمار می‌آید! قطعاً چنین مطلبی نمی‌تواند صحیح باشد، زیرا جواز مصرف غنایم جنگی به این معنی نیست که کسب غنایم از اهداف جهاد در اسلام است یا جهاد از منابع درآمد ثروت است. نویسنده با استفاده از آیه ۲۰ سوره مزمل ادعا کرده است که قرآن به پیامبر

اجازه داد نمازها و دعاهایش را کوتاه کند تا مانع فعالیت‌های اقتصادی نشود. این مطلب نیز مناقشه‌پذیر است و اساساً نسبت دادن این برداشت از آیه اثبات‌پذیر نیست.

ب. اشکال‌های محتوایی

۱. در ابتدای مقاله آمده است: «به دانش مطالعه و بررسی تولید و توزیع منابع مادی یک جامعه اقتصاد می‌گویند».

این سخن اگر به عنوان تبیین بخشی از موضوعات و مسائل علم اقتصاد باشد، شاید پذیرفتنی باشد، ولی اگر برای تعریف علم اقتصاد ارائه شده باشد، خالی از مناقشه نیست؛ زیرا اگر چه تعاریف گوناگونی برای اقتصاد نقل شده است (عمر شابرا، مستقبل علم الاقتصاد، ۱۶۸ - ۱۷۴؛ پل ساموئلسن، اصول علم اقتصاد، ۱، ۶ - ۷؛ دادگر و رحمانی، مبانی و اصول علم اقتصاد، ۳۳ - ۳۴؛ کرمی و بنی زاده، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، ۷ - ۱۰)، ولی تولید و توزیع منابع بخشی از موضوع علم اقتصاد را تشکیل می‌دهد.

به نظر می‌رسد پذیرفته‌ترین تعریف علم اقتصاد با توجه به دو نکته ذیل، ارائه شدنی است:

الف: ویژگی سبیری ناپذیری انسان: سرشت آدمی همواره خواهان بیشتر داشتن است، یعنی همیشه نیازهایی هست که انسان می‌خواهد به آن‌ها دست یابد و در این جهت حد و مرز و پایانی نمی‌شناسد.

ب: محدودیت امکانات موجود: توانایی و امکانات مادی، موجود پاسخ‌گوی خواسته‌ها و نیازهای نامحدود بشر نیست، پس باید بین نیازهای نامحدود و امکانات محدود سازگاری ایجاد کرد، یعنی بشر باید میان خواسته‌هایش، دست به «انتخاب» بزند تا بتواند از امکانات موجود حداکثر

استفاده را به عمل آورد. نقش علم اقتصاد درست به همین نقطه بر می‌گردد، یعنی علم اقتصاد بررسی می‌کند که چگونه انسان از بین این خواسته‌ها، آن‌هایی را انتخاب کند که بتواند بیشترین استفاده را از امکانات موجود به دست آورد.

با توجه به این دو مطلب، علم اقتصاد را می‌توان چنین تعریف کرد:

«اقتصاد بررسی می‌نماید که چگونه امکانات و منابع موجود را برای رفع نیازهای بشر اختصاص دهیم تا از امکانات موجود بیشترین استفاده را بکنیم» (برای اطلاع بیشتر از دیگر تعاریف رک. به: پل سامونلسن، همان، ۱، ۶ - ۷؛ دادگر و رحمانی، همان، ۳۳ به بعد، مبانی اقتصاد اسلامی حوزه و دانشگاه، ۲۸ - ۳۷؛ ابروانی، اخلاق اقتصادی، ۲۴ - ۲۵).

تعریف نویسنده مقاله به فرض که بپذیریم. تنها از «تولید و توزیع» نام برده، ولی از واژه «مصرف» (Consumption) یاد نمی‌کند، در حالی که مصرف از ارکان علم اقتصاد است (آخوندی، احمد، همان، ۱۵۱).

درست است که اقتصاد دانان تا چندی پیش «مصرف» را تابعی از تولید و توزیع می‌دانستند و چندان علاقه‌ای به طرح آن نشان نمی‌دادند، ولی به مرور به اهمیت آن پی بردند تا جایی که امروزه از اصل «حاکمیت مصرف کننده» سخن می‌گویند. به این معنی که رفتار مصرف کننده نوع و مقدار کالاهای تولیدی و چگونگی تخصیص منابع تولید و توزیع را تعیین می‌کند. بنابراین، مصرف، تنها تابعی از تولید و توزیع نیست، بلکه تولید و توزیع نیز تابع مصرف‌اند (مبانی اقتصاد اسلامی، ۲۸۵). برای همین امروزه بنگاه‌های تولیدی، به ویژه در غرب، بر پایه سیاست‌های مصرف و تبلیغات مصرفی می‌چرخند. آنان با ایجاد انگیزه کاذب، به مصرف بیشتر دامن می‌زنند و از این راه، تولید را رونق می‌بخشند.

۲. به اعتقاد برخی صاحب نظران، نخستین تحقیق مستقل و جامع در حوزه

اقتصاد، در جهان اسلام، کتاب «الخراج» است که دانشمند مسلمان ابویوسف یعقوب بن ابراهیم (۱۱۳ - ۱۸۲ هـ. ق) تدوین کرد (شوقی الفنجری، محمد، المذهب الاقتصادي فی الاسلام، ۱۷). وی در زمان هارون الرشید - خلیفه عباسی - مأمور تحقیق و تألیف کتابی شد تا در تنظیم امور مالیه دولت اسلامی مبنای کار حکومت عباسیان قرار گیرد. ابویوسف در مقدمه کتاب می‌نویسد:

«امیرالمؤمنین (هارون الرشید) از من خواست، کتابی جامع برایش تدوین کنیم تا در جمع آوری خراج، مالیات (عشر)، صدقات و جلائی (پرداختی کسانی که جلائی وطن کرده و در سرزمین دیگری ساکن شده‌اند) و امور دیگر، به آن عمل گردد». (ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم، کتاب الخراج، ۳).

برخی از صاحب‌نظران حوزه اقتصاد، این کتاب را از جهت قوت استدلال و گستردگی مباحث، شبیه کتاب دالتون - استاد مالیه عمومی در عصر حاضر - می‌دانند (العسل، ابراهیم، توسعه در اسلام، ۱۲۸).

شماری از مهم‌ترین کتاب‌ها که به صورت مستقل یا غیر مستقل از مباحث اقتصادی سخن گفته‌اند، عبارت‌اند از:

الأموال: ابوعبید قاسم بن سلام.

الاحکام السلطانیة: ابوالحسن علی بن محمد ماوردی، (۴۵۰ هـ. ق).

مقدمة ابن خلدون: عبدالرحمان بن خلدون، (۸۰۸ هـ. ق).

احکام القرآن: ابوبکر جصاص، (۳۷۰ هـ. ق).

۳. نویسنده مقاله مدعی است:

«قرآن طرحی کلی برای یک نظام اقتصادی ارائه نمی‌کند».

باید توجه داشت که شیوه گفتاری قرآن به گونه‌ای نیست که بتوان برای کشف و شناسایی اندیشه جامع قرآنی، تنها به دلالت‌ها و سیاق‌های لفظی آن بسنده کرد.

برای فهم قرآن به استنباط و ژرف‌نگری خاص نیاز است؛ به گونه‌ای که متخصصان فن پس از مطالعات و بررسی‌های عمیق به بخشی از آن دست می‌یابند. از سوی دیگر قرآن در این امور، معمولاً خطوط اصلی و چارچوب‌های کلی یک موضوع را ارائه می‌دهد و از بیان جزئیات و خصوصیات آن پرهیز می‌کند.

هر چند بین صاحب‌نظران در این که آیا اسلام مکتب اقتصادی دارد یا نظام اقتصادی، گفت‌وگوهایی وجود دارد؛ ولی چگونگی نگرش هر جامعه به مالکیت تا حدود زیادی «نظام اقتصادی» آن جامعه را تشکیل می‌دهد، لذا بر حسب این که جامعه به مالکیت خصوصی یا عمومی اصالت دهد یا هر دو را به رسمیت بشناسد، نظام‌های اقتصادی متفاوتی شکل می‌گیرد.

نظام اقتصادی سرمایه‌داری که حداقل از جنبه نظری، تنها مالکیت خصوصی را به رسمیت شناخته، یک «نظام اقتصادی» است. نظام سوسیالیسم هم که تنها مالکیت عمومی را پذیرفته، نظام اقتصادی دیگری است. اسلام نیز که هر دو مالکیت را در چارچوب خاص به رسمیت شناخته، در واقع یک نظام اقتصادی ارائه کرده است.

با این بیان نمی‌توان مدعی شد که اسلام تنها به رهنمودها و احکام اقتصادی بسنده کرده است و نظام اقتصادی ندارد.

روشن است طرح نظام اقتصادی را با این تعریف «مجموعه‌ای هماهنگ از نهادهای اقتصادی که برای تحقق اهداف اقتصادی گرد هم آمده‌اند»، نمی‌توان به طور مستقیم و صریح از قرآن انتظار داشت، زیرا این مجموعه‌ها، دارای الگوهای رفتاری، نهادهای برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، اجرایی و کنترل‌کننده‌اند که عناصر تشکیل دهنده این امور، به طور غیر مستقیم از اندیشه‌های کلان یک مکتب اقتصادی شکل می‌پذیرند. آن چه از قرآن انتظار می‌رود، تبیین خط سیر اندیشه‌ای

کلان اقتصاد است، اما پرداختن به برنامه‌ریزی‌های اجرایی اقتصادی، خارج از وظیفه اصلی دین است، چرا که آموزه‌های دینی نقش هدایت‌گری و جهت‌دهی دارند (دادگر و رحمانی، همان، ۳۸ - ۳۹؛ ایروانی، جواد، اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، ۲۵ - ۲۷)، چنان که شهید صدر دانشمند بزرگ جهان اسلام بر این عقیده بود (شهید صدر، اقتصادنا، ۴۴ - ۴۷).

۴. نویسنده پنج حوزه از رفتار اقتصادی را که در قرآن آمده است، ارائه می‌دهد:

(۱) عدالت و مسئولیت اجتماعی، (۲) تحصیل ثروت، (۳) نظارت و کنترل ثروت، (۴) حمایت از اقشار محروم و آسیب‌پذیر، (۵) تنظیم معاملات با قراردادهای.

عنوان «رفتار اقتصادی» برای این امور خالی از مسامحه نیست، بلکه برخی از این امور مانند «عدالت»، به عنوان مبانی اقتصاد، و شماری چون «حمایت از اقشار محروم»، به عنوان اهداف اقتصادی، قابلیت پذیرش بیشتری دارند که تفصیل آن در کتب مختلف اقتصادی آمده است (درآمدی بر اقتصاد اسلامی، مبانی اقتصاد اسلامی، و اقتصادنا شهید صدر، همان).

۵. گرچه نویسنده در تبیین چگونگی تحصیل و توزیع ثروت از منظر قرآن به نکات مهمی اشاره کرده است، ولی چون در بیان ریشه‌ها و زمینه‌های این نگرش قرآنی کارنامه موفق‌تری ندارد، مطالب بدون تلفیق و انسجام در کنار هم قرار گرفته‌اند و نتیجه مشخصی از آن به دست نمی‌آید.

شایسته بود نویسنده به جای اظهارات پراکنده، به ریشه مطالب و پشتوانه اندیشه‌ای آن و وجه امتیاز نگرش اسلام از مکاتب اقتصادی غرب و شرق اشاره می‌کرد.

می‌دانیم که بر خلاف دو اقتصاد سرمایه‌داری و سوسیالیسم که هر کدام یکی از دو عنصر «کار» و «نیاز» را اساس توزیع ثروت دانسته‌اند، اسلام به هر دو

عنصر توجه ویژه دارد. اسلام در توزیع منابع طبیعی و انتقال آن به بخش خصوصی؛ ابتداء عنصر «کار مباشری» را دخیل می‌داند و با این طرح از انباشته شدن ثروت در دست طبقه‌ای خاص جلوگیری می‌کند و زمینه بهره‌وری عموم را از منابع طبیعی فراهم می‌آورد. قرآن در این زمینه می‌فرماید:

﴿لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ﴾ (نساء / ۳۲)؛ «مردان به سبب آن چه به دست می‌آورند، نصیبی دارند و زنان نیز نصیبی دادند».

از دیگر سو ثروت‌های طبیعی در اسلام به همه تعلق دارد و هر کس می‌تواند با «کار» به سهم خویش برسد، ولی در جامعه همیشه کسانی چون بیماران، سال‌خوردگان، از کار افتادگان و... هستند که نمی‌توانند با «کار» به سهم طبیعی خود دست یابند، یا کارشان به گونه‌ای نیست که پاسخ‌گوی همه نیازهای معمول آن‌ها باشد این جاست که اسلام عنصر «نیاز» را برای تأمین حقوق این دسته از افراد جامعه در نظر گرفته است. قرآن می‌فرماید:

﴿وَقِيَ أَمْوَالَهُمْ حَقَّ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾ (معارج / ۳۴-۳۵)؛ «(انسان‌های شایسته) کسانی‌اند که در اموالشان حق معلومی برای تقاضا کننده و محروم هست».

واژه «حق» در آیه بیانگر این است که تأمین نیازهای محرومان تنها یک توصیه اخلاقی نیست، بلکه مبنای حقوقی دارد، زیرا این افراد مانند بقیه در ثروت‌های طبیعی - پیش از انتقال به بخش خصوصی - حق داشتند و چون نتوانستند به صورت مباشری به حق خویش برسند، حق آن‌ها به درآمدهای حاصل شده انتقال یافته است. گویا از منظر دین، ثروت‌های طبیعی به این شرط به بخش خصوصی واگذار شده است که حق نیازمندان و محرومان را بپردازند. چنان که «لام ملکیت» در عبارت ﴿لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾ مؤید همین نکته است (رستم نژاد، مهدی، قرآن و علم، ش ۲؛ شهید صدر، همان، ۴۱۲ به بعد).

۶. بهتر بود نگارنده مقاله به جای کنار هم قرار دادن چند نکته قرآنی پیرامون توزیع ثروت، آن‌ها را در چارچوب منطقی قرار می‌داد و در یک ساختار علمی، جایگاه هر یک را تبیین می‌کرد.

در طرح اقتصادی اسلام حداقل سه نوع توزیع ثروت‌های طبیعی بین مردم، قابل شمارش است:

الف: توزیع ابتدایی

در طبیعت، ثروت‌های فراوانی، چون زمین‌های موات، نفت، معادن طلا، الماس، آب‌ها، جنگل‌ها، حیوانات و پرندگان و... وجود دارد که حاصل تلاش و تولید مستقیم انسان نیست. کیفیت بهره‌برداری و چگونگی توزیع این امور از مباحث مهم علم اقتصاد است.

در نظام سرمایه‌داری که حد و مرزی برای مالکیت خصوصی تعیین نشده است، هر کس می‌تواند این ثروت‌های ارزشمند را در چارچوب رقابت آزاد، به جنگ آورد. ناگفته پیداست که تنها پیروز این میدان، طبقه‌ای خاص از ثروتمندان شبکه‌های سرمایه‌داری می‌باشند و برای توده مردم امکان رقابت در این عرصه وجود ندارد (مبانی اقتصاد اسلامی، ۲۶۵ - ۲۶۸)، ولی اسلام با بیان ساز و کارهای خاصی، جلوی این پدیده ناهنجار را گرفت و از تمرکز و گردش ثروت‌های طبیعی میان ثروتمندان جلوگیری کرد (درآمدی بر اقتصاد، ۳۲۹ - ۳۳۳).

اسلام برای تحقق این هدف، ثروت‌های طبیعی را به دو گروه «انفال» و «مباحات عامه» تقسیم کرده است. انفال مثل سواحل دریاها، جنگل‌ها، زمین‌های موات، و... را می‌توان با اجازه حکومت اسلامی، با عنصر «کار» از طریق احیاء، حیازت، اکتشاف، استخراج و... به بخش خصوصی انتقال داد. مباحات عامه مثل پرندگان، حیوانات وحشی، ماهیان و... را نیز می‌توان با عنصر «حیازت، مطابق

مقررات حکومت اسلامی به بخش خصوصی منتقل کرد؛ البته اصل منبع در مالکیت کسی در نمی‌آید (کرمی، مهدی و پورمند، محمد، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، ۶۲ - ۶۳؛ نظام اقتصادی اسلام، ۱۸۶ - ۱۸۸).

ب: توزیع مجدد

ثروت‌های طبیعی به آحاد مردم تعلق دارد و هر کس می‌تواند با «کار مباشری» سهم خویش را دریافت کند، ولی افرادی که توانایی لازم را ندارند، بر اساس عنصر «نیاز» در مال اغنیاء سهم می‌شوند، یعنی قسمتی از تولیدات و درآمدهای همان ثروت‌هایی که با «کار مباشری» به بخش خصوصی منتقل شد، به نیازمندان بر می‌گردد. عنوان «توزیع مجدد» اشاره به همین نکته است.

اسلام این نوع از توزیع را در ساز و کارهایی چون خمس، زکات، کفارات مالی، انفاقات مستحبی، وقف، قرض و ... طراحی کرده است و آیات فراوانی به تبیین این مسائل می‌پردازند.

ج: توزیع قهری (ارث)

اسلام با نظام تقسیم ارث، به توزیع ثروت بین وارثان اقدام کرده است. تقسیم ارث بر اساس میزان رابطه خویشاوندی (عنصر قرابت) پایه‌ریزی شده است.

«وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ»؛ (انفال / ۷۵)؛ «بعضی از خویشاوندان نسبت به برخی دیگر از نظر خداوند (در مورد ارث) اولویت دارند».

اسلام ارث پسر خوانده - هر کس شخصی را به دلخواه به فرزندی بپذیرد و اموالش را در مسیر انتقال به غیر وارثین قرار دهد - را منسوخ کرد و قرآن فرمود:

﴿وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ﴾ (احزاب / ۵)؛ «خداوند

فرزند خوانده‌های شما را فرزند شما قرار نداده است، این گفتارهایی است که به زبان شما جاری است».

اسلام با وضع قانون ارث، جلوی اعمال سلیقه‌های شخصی افراد را گرفت، زیرا اگر صاحب مال می‌توانست همه اموال خود را پس از مرگ به فرد دلخواه انتقال دهد یا وارثی را از سهم ارث محروم کند، عدالت مورد نظر اسلام تحقق نمی‌یافت (ایروانی، جواد، همان، ۴۰۵ به بعد).

برابر نگرش اسلام، حتی افراد نمی‌توانند به بیش از ثلث دارایی خویش وصیت کنند؛ بلکه برای هر طبقه، در چارچوبی خاص، سهم معین قرار داده شده است و برای اجرای عدالت، همه جوانب در نظر گرفته شده است.

در نظام توزیعی اسلام، غیر از این سه مورد، در درآمدهای حاصله بین کارگر، کارفرما و ابزار نیز نظام دقیقی طراحی شده و در عناوینی چون مساقات، مضاربه و مزارعه سامان یافته است (کرمی، محمد مهدی و پورمند، محمد، همان، ۹۶ به بعد. و نیز مراجعه شود به: ابواب مربوط در کتاب‌های فقهی مثل شرح لمعه شهید ثانی و شرایع الاسلام).

۷. بهتر بود به جای کنار هم گذاشتن آیات ربا، به صورت کامل‌تری پشتوانه اندیشه‌ای این احکام بررسی می‌شد. در روایات، به شماری از فلسفه‌های تحریم ربا اشاره شده است. از جمله امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

«... فحرم الله تبارک وتعالی الربا لعلّ فساد الأموال كما حظر علی السفيه أن يدفع إليه ماله لما يتخوف عليه من افساده»؛ «پس خداوند متعال ربا را ممنوع اعلام کرد، زیرا موجب تباهی اموال می‌گردد، چنان‌که منع کرد که اموال سفیهان به دست آنان داده شود، چون بیم تباهی آن اموال می‌رود»

(علل الشرایع، ۲، ۴۸۳؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ۱، ۱۰۰ و ربک: حکیمی، محمد، معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، ۳۲۷ - ۳۳۰).

از منظر اسلام یکی از ریشه‌های‌ترین فلسفه‌های تحریم ربا، به رابطه کار و سرمایه بر می‌گردد.

در نظام اقتصادی اسلام، «انسان» هدف غایی و «سرمایه» ابزاری در خدمت انسان است. در این نگاه انسان در ردیف ابزار و سرمایه نیست؛ بلکه جایگاه و شخصیت انسان بالاتر و ارجمندتر از سرمایه‌های مادی است، لذا ابزار و سرمایه در کنار انسان، مبنای مالکیت قرار نمی‌گیرد، بلکه انسان «کارگر» است که با عنصر «کار» می‌تواند بر اموال عمومی سلطه ملکی پیدا کند، لذا «کار» سرمایه‌ساز است؛ نه خود سرمایه، پس پول نباید پول آور باشد، بلکه کار باید پول آور باشد (خلیلیان، محمد جواد، همان، ۱۶۲ - ۱۶۵).

به عکس، در نظام ربوبی سرمایه‌داری، جایگاه و شخصیت انسان (کارگر) نادیده گرفته می‌شود و چنان اصلاتی به «سرمایه» داده می‌شود که می‌تواند بدون آن که در مسیر تولید قرار گیرد، به صورت خودافزا، سرمایه‌ساز باشد، یعنی سرمایه‌دار در این نظام با به کارگیری سرمایه در مسیر قرض، می‌تواند بدون آن‌که کاری انجام دهد یا آن را در مسیر تولید و کار قرار دهد، از سرمایه، سرمایه بسازد و از جیب فقرا به میل خود بگیرد و بر ثروت خویش بیافزاید. از این حقیقت در روایت امام حسن عسکری علیه السلام (اغنیاء هم یسرقون زاد الفقراء) با عنوان «سرقه اغنیاء از اموال فقراء» یاد شده است (نوری، میراز حسن، مستدرک الوسائل، ۱۱، ۳۸۰، ۱۳۳۰۸، به نقل از: اردبیلی، حدیقه الشیعه).

روشن است که نظام اقتصادی ربوی پس از مدتی موجب به هم خوردن تعادل و توازن گردش ثروت‌ها در جامعه می‌شود و دو پدیده «فقر و تکاثر» را در پی می‌آورد.

۸. نمی‌توان به طور مطلق، اصولی چون، خدا مالکی، حاکمیت اصول اخلاقی و ارزشی بر اقتصاد، حق مالکیت خصوصی و... را اصول اقتصاد اسلامی در دوره جدید دانست، زیرا این امور از صدر اسلام تاکنون در فقه، تفسیر و غیره به صورت مستقل و غیر مستقل مطرح بوده است، و مخصوص دوره جدید نیست، البته در این دوره، شماری از این اصول، دارای مصادیق جدیدی شده‌اند و دانشمندانی چون شهید صدر و دیگران کوشیده‌اند با بهره‌گیری از دست‌آوردهای علمی بشر به دقائق و ظرائف مباحث اقتصادی اسلام بیشتر واقف شوند و اصول و مبانی جدیدی را از آیات و روایت استنباط کنند که تا چند دهه قبل این بهره‌گیری‌ها امکان نداشت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتاب‌شناسی مقاله اقتصاد

الف: منابع اصلی

۱. ابویوسف، کتاب الخراج، قاهره، ۱۳۵۲ ق / ۱۹۳۲ م.
۲. ابن عابدین، محمد امین بن عمر، ردّ المختار علی الذّر المختار، حاشیه بن عابدین، بیروت ۱۹۸۷ م.
۳. ابن خلدون، رستال؛ ابن رشد، کتاب درسی مقدماتی خاصی مشهور، ترجمه‌ای از بدایه المجتهد، ترجمه ان ای خان نیازی و ام، عبدالرئوف، ریڈینگ، ۱۹۹۶ م.
۴. ابن تیمیه، وظایف عمومی در اسلام سازمان حسب، ترجمه ام. هلند، لایستر، ۱۹۸۲ م.
۵. همو، فقه المعاملات، بیروت، ۱۹۹۵ م.
۶. مالک، موطأ، ترجمه عا. ع. ار. بولی. گرانادا، ۱۹۸۹ م.
۷. قرطبی، محمد بن احمد، تفسیر قرطبی، (الجامع لاحکام القرآن)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق.
۸. سید قطب، فی ظلال القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت الطبعة الخامسة، هشت جلدی، ۱۳۸۶ ق.
۹. رازی، ابوالفتح، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، (م ۵۵۲ ق) مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی ۱۳۷۴ ش، ۱۴ جلدی.
۱۰. سرخسی، محمد بن احمد، کتاب المبسوط. بیروت ۱۴۰۹ ق / ۱۹۸۹ م.
۱۱. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۳ ق، دارالمعرفة، بیروت، ۳۰ جلد در ۱۲ مجلد.
۱۲. طالقانی، آیت الله سید محمود، جامعه و اقتصاد در اسلام، ترجمه آر. کمپ بل، برکلی ۱۹۸۲ م.

ب: منابع فرعی

۱. ام. اسد، پیام قرآن، گیبز القار، ۱۹۸۰ م.
۲. ام. یو. چاپرا، اسلام و چالش اقتصادی، هرنندن، ۱۹۹۵ م.
۳. ام. ای. پدري، اصول اقتصادی سیاسی اسلامی، پرسش [تحقیقی] روش‌شناختی، نیویورک، ۱۹۹۲ م.

۴. اسید، نقدی بر خاستگاه‌ها [اصول] تفکر اقتصادی اسلامی، لایدن، ۱۹۹۵ م.
۵. ام؛ آیحق، اصول [تعالیم] اقتصادی اسلام، هرنندن ۱۹۹۶ م.
۶. اس. ریلیو. ای، حسینی، مهندسی نظام‌های محیطی اسلامی، لندن، ۱۹۸۰.
۷. ای. ای. اصلاحی، آرای اقتصادی ابن تیمیه، لایستر. ۱۹۸۸ م.
۸. ام. اف. خان، تعالیم اقتصادی [حضرت] محمد پیامبر ﷺ، اسلام آباد، ۱۹۸۹ م.
۹. اس. ای. مودودی. به سوی فهم قرآن، لایستر، ۱۹۸۸.
۱۰. ای. ای. النجار، المدخل الى النظرية الاقتصادية فی المنج الاسلامی، قاهره، ۱۹۸۰ م.
۱۱. اس. ان. اچ. نقوی، اخلاق و اقتصاد، ترکیبی اسلامی، لایستر، ۱۹۸۱ م.
۱۲. ام. بی. الصدر، اقتصادنا، ۲ جلد، تهران ۱۹۸۲ م.
۱۳. ای. سعید، بانکداری اسلام و بهره. پژوهشی درباره تحریف ربا و تفسیر امروزی، ۱۹۹۶ م، چ دوم، ۱۹۹۹ م.
۱۴. ام. ان. صدیقی، نقش دولت در اقتصاد. چشم انداز اسلامی، لایستر، ۱۹۹۶ م.

بررسی دو مقاله «اقتصاد» و «علم اقتصاد» در دایره المعارف قرآن لیدن

عبدالله سعید و دکتر مهدی رستم‌نژاد □ ۱۰۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع بررسی و نقد

۱. آخوندی، احمد، اقتصاد کلان، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، تهران، ۱۳۸۰ ش، چ ۵.
۲. ایروانی، جواد، اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۳۸۴ ش.
۳. چپرا، محمد عمر، اسلام و چالش اقتصادی، مترجمان: میر معزی، هادوی‌نیا، یوسفی و جهانیان، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴ ش.
۴. حکیمی، محمد، معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۶ ش، چ ۲.
۵. خلیلیان، محمد جمال، شاخص‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام، مؤسسه آموزشی و پژوهش امام خمینی علیه السلام، قم، ۱۳۸۴ ش.
۶. دادگر، یدالله، و رحمانی، تیمور، مبانی و اصول علم اقتصاد، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۸۰ ش.
۷. درآمدی بر اقتصاد اسلامی، حوزه و دانشگاه سازمان سمت، تهران، ۱۳۸۷ ش، چ ۸.
۸. سامونلسن و نوردهاوس، پل، اصول علم اقتصاد، مترجم: مرتضی محمد خان، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۴ ش.
۹. شهید صدر، اقتصادنا، مکتب الإعلام الإسلامي، قم، ۱۳۷۵ ش.
۱۰. شوقی الفنجری، محمد، المذهب الاقتصادي فی الاسلام، المؤتمر العالمي الاول للاقتصاد الاسلامی، ۱۳۹۸ ق.
۱۱. شیخ صدوق، علل الشرایع، تحقیق: بحر العلوم، محمد صادق، مکتبه حیدریه، نجف اشرف، ۱۳۸۶ ق.
۱۲. همو، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تصحیح: شیخ حسین اعلمی، مؤسسه اعلمی، بیروت، ۱۴۰۴ ق.
۱۳. العسل، ابراهیم، توسعه در اسلام، مترجم: دکتر عباس عرب، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۸ ش.
۱۴. کرمی، محمد مهدی، و پورمند، محمد، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه سازمان سمت، تهران، ۱۳۸۶ ش، چ ۸.

۱۵. مبانی اقتصاد اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، سازمان سمت، تهران، ۱۳۷۹ ش، ج ۳.
۱۸. پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، مجله قرآن و علم، ش ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۷ ش.
۱۹. مستقبل علم الاقتصاد من منظور اسلامی، ترجمه: رفیق یونس المصری، دارالفکر، دمشق، ۱۴۲۶ ق.
۲۰. نظام اقتصادی اسلام، اهداف و انگیزه‌ها، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۲۱. نوری، میرزا حسین. مستدرک الوسائل، مؤسسه آل‌البیت، قم، ۱۴۰۸ ق.
۲۲. یعقوب بن ابراهیم، ابویوسف، کتاب الخراج، المطبعة السلفية، قاهرة، ۱۳۵۲ ق.

بررسی دو مقاله «اقتصاد» و «علم اقتصاد» در دایرة المعارف قرآن لیدن
عبدالله سعید و دکتر مهدی رستم‌نژاد □ ۱۰۴

